

گروه فشار اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا

- گروه فشار اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا
- جان جی. می‌رشایر / استیون ام. والت / رضا کامشاد
- نشر فرزانه روز : ۵۹۰ صفحه وزیری
- چاپ اول : شهریور ۱۳۸۸

۴۰۹

این کتاب، کتابی است پرمطلب و پرملاط. مؤلف اول جان جی. می‌رشایمر سیاست‌پژوه در دانشگاه شیکاگو، و همکار او در تألیف این اثر استفن ام. والت استاد امور بین‌الملل در مدرسه عالی سیاسی جان اف. کندی در دانشگاه هاروارد است. در سال ۲۰۰۶م مقاله‌ای جنجال‌برانگیز و افشاگر نوشتند که در مجله نقد کتاب لندن به چاپ رساندند و جان کلامشان این بود که حمایت بی‌قید و شرط و بی‌حد و حصر آمریکا از اسرائیل، که در تشکیل و تشکل سازمان‌های حمایت‌گری چون «کمیته امور اجتماعی اسرائیل در آمریکا» جلوه‌گر شده، هم به منافع و مصالح آمریکا و هم اسرائیل صدمه شدید وارد می‌سازد.

در چنین زمینه‌ای است که مباحثات تند و تلخی که تا این حد سابقه نداشته با وارد کردن اتهام یهودستیزی به مؤلفان این کتاب از سوی درشوویتس Dershowitz - استاد حقوق دانشگاه هاروارد، و آبراهام اچ. فوکسمن A. H. Foxman - مدیر ملی سازمان مبارزه با بدنام‌سازی، که از زمره همان سازمان‌های دست‌پرورده آمریکاست - جریان یافته است.

اما کتاب حاضر (گروه فشار اسرائیل...) که به تعبیری روایت گسترش‌یافته‌تر و تفصیلی‌تر آن مقاله است، نتوانسته است آنها را از آسیاب بیندازد و آرامش برقرار سازد.

مؤلفان از حضور در لاقفل یک دانشگاه و چندین مرکز فرهنگی برای بحث پیرامون مسائل این کتاب، ممنوع شده‌اند و آماج گردبادی از انتقاد و سوء تفاهم قرار گرفته‌اند. اگر قصدشان این بوده که جنگی مطبوعاتی و تمام عیار برپا کنند، در نیت خود موفق شده‌اند. آقایان می‌پرشایمر و والت، با متانت، سنجیدگی، و با اذعان به تندروری‌های اسرائیل، مسئله را برای طرح‌ریزی خط‌مشی سیاسی خاورمیانه‌ای که بیرحمانه واقع‌بینانه باشد، آماده می‌کنند. طبق این نگرش اسرائیل چیزی بیش از یک کشور در جغرافیای خاورمیانه نخواهد بود. در این صورت در موارد و مناسباتی که منافع اسرائیل با منافع آمریکا همسو باشد می‌تواند بر روی حمایت آمریکا حساب کند و الا فلا. مؤلفان می‌گویند آنچه آمریکایی‌ها نمی‌توانند دریابند این واقعیت است که در اغلب اوقات منافع دو کشور با هم تعارض دارند.

مؤلفان علت این ناتوانی را این‌گونه به سادگی توضیح می‌دهند: گروه فشار و حامی طلبی اسرائیل واقعیت را خوب درک کرده است که ماجرا از این قرار است: همکاری نزدیک با اعضای کنگره آمریکا، سازمان‌های سیاست‌ساز ظاهرأ مردمی، و نشریات عقیده‌سنجی، گروه‌های نیرومند و ثروتمندی چون کمیته آمریکایی امور عامه اسرائیل، کمیته یهودی آمریکایی، همراه و همسو با ده - دوازده کمیته سیاسی دیگر به دوام و رواج این افسانه دامن می‌زنند که اسرائیل کشوری است تک‌افتاده، و در محاصره دشمنان، و نیازمند حمایت همه‌جانبه و بیدریغ مالی و نظامی آمریکا.

این گروه فشار حمایت طلب در خفه و خاموش کردن هرگونه بحث و ساز و نوای مخالف، پیش از آنکه درگیرد، مهارت شگرفی دارد. حال چه مسئله درباره سقط جنین باشد، چه درباره کنترل تسلیحات، چه هر اندیشه و اقدام مشکوک، چه حقوق همجنسبازان، چه محیط زیست، چه خط و مشی تجارت، چه بهداشت، چه مهاجرت، یا رفاه، همواره آغاز یا مهار آن در دست کاخ سفیدنشینان است. هر جا که پای منافع اسرائیل در میان باشد منتقدان توانای صاحب‌نظر، خاموشی پیشه می‌کنند، و اصولاً به ندرت بحثی درمی‌گیرد.

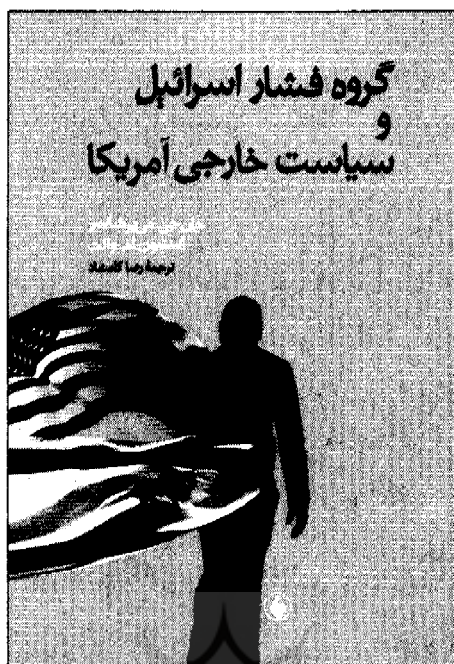
مؤلفان می‌گویند هیچ پنهانکاری و پرده‌پوشی در این کار وجود ندارد. این گروه بالصراحه یک گروه ذینفع نیرومند و متشکل از یهودیان و غیریهودیان است که هدف اعلام شده آن این است تا کاروبار اسرائیل را در آمریکا به هر قیمت پیش ببرد و به شیوه‌هایی که اعضای آن معتقدند به سود اسرائیل هست و خواهد بود بر سیاست خارجی آمریکا اثر بگذارند.

مسئله این است که اسرائیل در پایان جنگ سرد جهانی، و پس‌راندگی اخلاقی‌اش در مناسباتش با فلسطینیان، و اخیراً لبنانی‌ها، تبدیل به گروه فشار راهبردی گردیده است. حمایت بی‌محابای آمریکا از نزدیکترین متحدش در خاورمیانه، هم به حیثیت و اعتبار او در جهان عرب صدمه زده، هم مانعی در جست‌وجوی راه‌حل برای مسئله فلسطین ایجاد کرده، و هم در نهایت موقعیت بین‌المللی آمریکا را ضعیف‌تر و خطیرتر ساخته است. مؤلفان با خونسردی علمی خاصی ادعای کوتاه و مؤثر علیه سیاست خارجی و داخلی اسرائیل، و نیز علیه دولت اسرائیل صادر کرده‌اند. اینان دولتی مجازی، و هنوز قبولی عام جهانی نیافته را که در عین حال حمله را بهترین دفاع برای موجودیت خود می‌داند توصیف می‌کنند که از توبره و آخور آمریکا قوت و غذا می‌گیرد و همواره چوب لای چرخ صلح می‌گذارد، و با احساس مصونیت و فرار از مکافات، همواره همسایگانش را می‌هراساند و آرمان‌های ملی فلسطینیان را در هم می‌کوبد، و هر وقت که فرصت باشد دست عسل آلود حامی بزرگش را گاز می‌گیرد.

گروه فشار اسرائیل همواره پنهانکار است، و با آمریکا سر و سرّ دارد، و در راه خطیر جلب حمایت از رئیس‌جمهوری تا رئیس‌جمهور بعدی سیاست «از این ستون به آن ستون فرج» را غنیمت می‌شمارد. مؤلفان بر آنند که بدون اعمال فشار شدید گروه فشار اسرائیل، آمریکا خود را گرفتار جنگ در عراق نمی‌کرد.

اغلب خوانندگان آمریکایی در برابر این‌گونه شخصیت‌پردازی مؤلفان از اسرائیل، موضع می‌گیرند و حساسیت نشان می‌دهند. ولی نویسندگان این واکنش را امری طبیعی، حاصل تصویرپردازی سراپا دروغین و جعلی ساخته و پرداخته گروه (های) فشار اسرائیل در طی سالها از اسرائیل و تاریخش می‌دانند. در نتیجه آمریکایی‌ها کاملاً تفسیر و تعبیر غلط از مسئله فلسطین دارند و نمی‌توانند سیاستی فعال پیش بگیرند، که یک قدم از اسرائیل فاصله بگیرد و یک قدم از سر انصاف به جانب فلسطینیان نزدیک شود.

مؤلفان در چندین و چند مناسبت گفته‌اند که اعتقاد دارند که اسرائیل اخلاقاً و قانوناً حق بقا دارد، ولی تحت تأثیر کلی کتاب، احساس می‌شود که این حق به نخی بند است. علی‌الاصول آنان از ایالات متحده می‌خواهند که اینهمه جانبدارانه به اسرائیل نزدیک نشود و کمابیش به خط مشی آمریکا در سال‌های پیش از جنگ ۱۹۶۷ نزدیک شود. در آن موقعیت و ایام آمریکا می‌کوشید موضع میانه‌ای بین اسرائیل و همسایگان عربش داشته باشد. جای شگفتی است که مؤلفان از منافع افسانه‌ای که تصور می‌شد اتخاذ این مشی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به بار آورده سخنی نمی‌گویند.



از سوی دیگر غریب و بعید می‌نماید که کتابی این‌چنین خونسرد، چنین شور و التهابی برپا کند. اغلب بحث و برهان‌های مؤلفان، آشنا و بر همگان معلوم است. و اینکه بگویند اغلب سازمان‌های بزرگ یهودی، بیش از انتظار یهودیان آمریکا، علاقه به سختگیری در فی‌المثل یافتن چاره‌مرضی‌الطرفین در مسئله فلسطین، جنگ عراق، یا قرارگاه‌های نوار غزی دارند، به‌ندرت اعتراض مهمی برمی‌انگیزد. نویسندگان این کتاب هنگامی که از اتخاذ نقش سازنده‌تر و خلاقانه‌تر از سوی آمریکا در مذاکرات صلح، سخن می‌گویند، موضع خودشان هم عمیقاً صلح‌آمیز و قابل دفاع است.

در مجموع، لحن خصمانه در برابر اسرائیل، و این تأثیر اغماض‌ناپذیر که واقع‌گرایی سرسختانه سیاسی هم تکیه بر نوعی خیالبافی یا آرمانگرایی خاص خود دارد، از اختصاصات منحصر به فرد این کتاب است. اسرائیل به سادگی، برخلاف امثال انگلیس و آمریکا، صرفاً و به سادگی کشوری در میان بسیاری کشورها نیست. آمریکاییان پیوندهای مستحکم تاریخی، دینی، فرهنگی، و البته عاطفی با یهودیان دارند، که مؤلفان آنها را قبول دارند، ولی یک‌دستی می‌گیرند.

همچنین، به نظر می‌رسد چنین احساس می‌کنند اگر اسرائیل و گروه فشارش کوتاه بیایند، بیابان تبدیل به گلستان خواهد شد. کنار آمدن صلح‌آمیز با سوریه، مستلزم

سختگیری به حزب‌الله و حماس است. دیر یا زود دولت فلسطینی قدرت خواهد گرفت، و القاعده یکی از دستاویزها و بهانه‌ی اصلی‌اش را از دست خواهد داد. مؤلفان این اندیشه را عجلتاً از ذهن خود دور داشته‌اند که تروریسم القاعده‌وار، چه بسا دستاویزهای دیگری برای بقای موضوعیت خویش دست و پا کند. از سوی دیگر ایران هم حضور دارد، ولی مؤلفان بر آنند که هیچ‌کس از ایرانی که سلاح‌های اتمی دارد، خطر و ضرری نخواهد دید. چرا که سلاح اتمی، ارزش عملی / نظامی ندارد، بلکه ارزش سیاسی و مذاکراتی دارد. این سخن و موضع جمهوری اسلامی هم واقع‌گرایانه است که یا اسرائیل هم باید خلع سلاح اتمی شود، یا ایران هم از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای برخوردار باشد.

مؤلفان می‌نویسند امیدواریم ایالات متحده با اسرائیل نه به عنوان تافته جدا بافته، بلکه همچون کشوری عادی رفتار کند، و حداکثر اگر هم با آن کشور همراهی‌هایی می‌کند، همانند و در حد همراهی‌هایی باشد که با دیگر کشورها دارد. ولی این آرزو عملی نیست و آمریکا چنین مشی و سیاستی در پیش نخواهد گرفت. واقعیت چنین می‌گوید، اما واقع‌گرایی همان امید و آرمان ماست.

این کتاب درست در ایامی منتشر می‌گردد، که اسرائیل شصتمین سالگرد تأسیس و فلسطینیان شصتمین سال مقاومت و حماسه‌آفرینی‌های خود را گرامی می‌دارند. روشنی و روشنگری‌های این کتاب در میان همه‌ی آثاری که به صورت تألیف یا ترجمه به فارسی داریم، ممتاز است.

✽ در نگارش این گفتار از نقد نیویورک تایمز درباره‌ی همین کتاب استفاده شده است.

تقاضا و خواهش مجدد

یکبار دیگر از مشترکین گرامی خواهش می‌کنیم وجه اشتراک عقب افتاده خود را بپردازند. این مجله به پشتیبانی مشترکین ارجمند و دوستدارانش منتشر می‌شود.